



امتحانات متمرکز عمومی نیمسال اول ۱۴۰۱-۱۴۰۰

ساعت برگزاری: ۸:۴۰ صبح | نمره: ۱۵ | مدت پانجمین: ۹۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

مهر مدرسه

کد طلسمی:

کد امتحان:	۲۴۰۰۱/۱۶
تاریخ آزمون:	۱۴۰۰/۱۰/۱۵
عنوان:	اصول فقه ۳
کتاب:	دروس فی علم الاصول - حلقه ثانیه
محدوده:	از ابتدای دلیل شرعی غیر لفظی تا ابتدای اصول عملیه (ص ۲۲۰-۱۵۱)
حذفیات:	ندارد

کلمه از نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخنامه، خودداری نمایید.

۱- امضاء معصوم (ع) در «دلالت تقریر» به چه نحو کشف می شود؟ ص ۱۵۲

۰/۵

- الف. سکوت معصوم (ع)
- ب. کتابت معصوم (ع)
- ج. قول معصوم (ع)
- د. اوامر معصوم (ع)

۲- شهید صدر (ره) یقین آوری تواتر را چگونه اثبات می نمایند؟ ص ۱۵۸

۰/۵

- الف. به کمک قیاس خفی
- ب. حساب احتمالات
- ج. به کمک اولیات
- د. از طریق سیره

۳- بنا بر نظر شهید صدر (ره) کدام مورد از وسائل اثبات تعددی است؟ ص ۱۶۶

۰/۵

- الف. خبر واحد
- ب. اجماع
- ج. تواتر
- د. سیره

۴- چرا نمی توان برای اثبات «حجیت خبر واحد» به سنت ظنی تمسک نمود؟ ص ۱۷۰

۰/۵

- الف. خبر واحد ظنی است
- ب. روایات تعارض دارند.
- ج. مستلزم لغویت است
- د. مستلزم دور است

۵- تکلیف در کدام مرتبه می تواند شامل عاجز شود؟ ص ۱۹۰

۰/۵

- الف. ملاک و اراده
- ب. خطاب
- ج. اثبات
- د. اعتبار

۶- مبنای قائلین به کفایت تعدد عنوان برای جواز اجتماع امر و نهی چیست؟ ص ۲۰۸

۰/۵

- الف. احکام به عناوین تعلق می گیرد
- ب. احکام به افراد تعلق می گیرد
- ج. عناوین مرآت خارج هستند
- د. احکام تابع مصالح هستند

۷- تقریب استدلال به آیه شریفه: «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (احقرات: ۶) بر حجیت خبر واحد را بیان کنید. ص ۱۶۷ و ۱۶۶

۲

جواب: در آیه نبأ (که می فرماید: اِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا) یک جمله شرطیه آمده که (دارای حکم، موضوع و شرط است) حکم آن «وجوب تبیین» و موضوع حکم «خبر» است و شرط (یعنی شرط ثبوت آن حکم بر این موضوع) عبارت است از اینکه «فاسقی آن خبر را آورده باشد». این جمله شرطیه (به مقتضای مفهوم شرط) دلالت دارد بر اینکه (هرگاه شرط منتفی باشد، تبیین وجوب ندارد؛ لذا) اگر آورندهی خبر، عادل باشد، تبیین واجب نیست (و این بخاطر حجیت خبر عادل است).

۸- یک دلیل بر «حجیت ظهور» تقریر کنید. ص ۱۷۹ و ۱۷۸

جواب: سیره عقلا در عمل به ظهور برای فهم مراد متکلم در اغراض تکوینی و تشریحی استقرار دارد و چون این سیره مستحکم است انگیزه‌ای قوی است بر عمل به آن در شریعات و چون شارع سکوت کرده، امضاء ثابت می‌شود. (دلالت سکوت بر امضاء به دلیل عقلی است نه استظهاری و دلیل دیگر در کتاب)

۹- چگونه برخی از طریق آیه شریفه: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ» (آل عمران: ۷) بر عدم حجیت ظواهر قرآن استدلال نموده اند؟ یک پاسخ شهید صدر^(ره) بر آنها را بنویسید. ص ۱۸۱-۱۸۰

جواب: استدلال: این آیه شریفه بر نهی از اتباع متشابه دلالت دارد و مراد از متشابه، غیر نص و از جمله ظواهر است زیرا احتمالات معنای لفظ از این حیث که لفظ برای ارائه دو یا چند معنا صلاحیت دارد، مشتبه و نامعلوم است. پاسخ اول: لفظ ظاهر متشابه نیست زیرا معنای ظاهر رابطه قویتری با لفظ دارد پس مراد از متشابه فقط مجمل است. [پاسخ های دیگر در کتاب]

۱۰- اصطلاحات «واجب مشروط» و «واجب معلق» را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۱۹۷ و ۱۹۱

جواب: واجب مشروط: حکمی که تحقق و فعلیت یافتن آن منوط به تحقق بعضی از قیود در خارج است و تا این قیود در خارج محقق نشوند این حکم موجود نمی‌شود. إذا استطعت وجب عليك الحج، اگر مستطیع شدی حج بر تو واجب است. واجب معلق واجبی است که زمان وجوب (فعلیت وجوب) مقدم بر زمان واجب (امتنال) باشد؛ مانند اینکه فرض کنیم قبل از زمان وقوف در عرفه مستطیع شود که در اینجا وجوب حج فعلی است ولی امتثال آن متوقف بر رسیدن زمان عمل (ماه حج یا ظهر عرفه) است.

۱۱- مراد از «تخیر عقلی» و «تخیر شرعی» را با ذکر مثال تبیین نمایید. ص ۲۰۵ و ۲۰۴

جواب: تخیر عقلی: گاهی وجوب به یک عنوان کلی تعلق می‌گیرد؛ مانند «صل» زیرا واجب، طبیعی «صلاة» است و عقل در تطبیق آن به صلاة در مسجد یا صلاة در خانه، حکم به تخیر می‌کند. در اصطلاح به این تخیر، تخیر عقلی می‌گویند؛ زیرا فقط عقل است که حکم به تخیر مذکور می‌کند، نه این که خطاب شرعی بر آن دلالت داشته باشد. (۱ نمره) تخیر شرعی: گاهی وجوب به بدل‌ها تعلق می‌گیرد؛ مانند زمانی که گفته می‌شود «صل أو اعتق رقبة» در اصطلاح به این نوع تخیر، تخیر شرعی گفته می‌شود، به این اعتبار که خطاب شرعی متعرض بیان شده است. (۱ نمره)

۱۲- کیفیت استدلال به وسیله قیاس برای استنباط حکم شرعی را تبیین کرده و دلیل بطلان آن را بیان نمایید. ص ۲۱۹

جواب: در قیاس همه احتمالاتی که ممکن است علت حکم باشد ملاحظه می‌شود و آن احتمالی که گمان قوی می‌رود علت باشد، ملاک حکم قرار می‌گیرد و هر جا آن ملاک وجود داشت حکم به آن سرایت داده می‌شود، مثلا فقیه احتمالات علت تحریم خمر را ملاحظه می‌کند و گمان پیدا می‌کند اسکار علت تحریم است، لذا حکم حرمت را به همه مواردی که موجب اسکار می‌شود سرایت می‌دهد. دلیل بطلان قیاس: قیاس مستند به نتیجه‌گیری ظنی است و چیزی بالاتر از ظن را افاده نمی‌کند، لذا برای حجیت نیاز به دلیل خاصی دارد.